

تاثیر رسانه های غرب در ایجاد بحران های ژئوپولیتیکی در جوامع اسلامی

محمدرحیم عیوضی^۱، زهره همتی شاهبداغی^۲، محمد باوندپوری^۳

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد، تهران.

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.

^۳ دانشجوی دکتری مطالعات منطقه ای، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران.

نام نویسنده مسئول:

محمد باوندپوری

چکیده

جوامع اسلامی با جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر به منزله یک قطب جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بزرگ، گستره وسیعی از کره خاکی را در بر می گیرند. که دارای قابلیت های فراوانی در حوزه ژئوپلیتیک می باشند. از جمله این که کشورهای اسلامی واقع در خاورمیانه و شمال آفریقا از معضل طبیعی و جغرافیایی کم آبی و بی آبی رنج می برند. همچنین وجود اختلافات ارضی و مرزی، و منازعات بین المللی موجود در جهان اسلام، بستر مناسبی را برای دخالت های فرامنطقه ای فراهم می آورد و از همه مهم تر بزرگ ترین مخزن انرژی در اختیار جهان اسلام است. که با توجه به رو به کاهش بودن منابع هیدروکربنی انرژی در سایر حوزه ها، منطقه خلیج فارس به علت دارا بودن منابع عظیم انرژی، حداقل برای ربع سده آینده، هم چنان مورد توجه جدی اقتصاد جهانی خواهد بود. وجود این ویژگی ها برای ژئوپولیتیک بودن این منطقه کفایت می کند. اما قدرت های بزرگ اقتصادی و سیاسی دنیا با در دست داشتن رسانه به عنوان یکی از ابزارهای قدرت در دنیای امروز و شاید مهمترین آنها، که نقش محوری در تحولات مختلف در عرصه جهانی دارد، به دنبال منافع خود با ایجاد بحران سازی در مناطق مختلف، به خصوص جوامع اسلامی می باشند. سلطه امپراطوری های رسانه ای قدرت های جهانی برای تسخیر ذهن و روح انسان ها در جهت خواسته های سیاسی، چشم انداز مثبت جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ را تحت الشعاع قرار داده است. چرا که رسانه ها و فن آوری های نوین ارتباطی با نگرش ژئوپلیتیکی از جمله مهم ترین مولفه های قدرت، در صحنه روابط بین الملل می باشند که با توجه به شرایط ژئوپولیتیکی موجود در جوامع اسلامی، منافع صاحبان قدرت را دنبال می کنند. آنچه که ما در این پژوهش دنبال می کنیم و سعی می شود با یک روش تحلیلی توصیفی به آن پرداخته شود، تاثیرات رسانه ها در ایجاد بحران های ژئوپولیتیک در جوامع اسلامی می باشد. که یافته های پژوهشی حاکی از آن است که رسانه ها با ایجاد اختلاف افکنی در موضوعات مختلف ژئوپولیتیکی میان کشورهای اسلامی به ایجاد بحران می پردازند.

واژگان کلیدی: رسانه، غرب، مسائل ژئوپولیتیک، بحران های ژئوپولیتیکی، جوامع اسلامی.

مقدمه

در دهه های اخیر رسانه به عنوان ابزاری ارتباطی، به یکی از تاثیرگذارترین پدیده ها در زندگی انسان های مدرن تبدیل شده است. به طوری که مشاهده می شود ما در طول روز ناگزیر به رویارویی گزینشی یا ناخودآگاه با انبوهی از پیام های رسانه ای هستیم. و این حقیقت وجود دارد که زندگی امروزه به شکلی تنگاتنگ با رسانه ها و پیام های آن گره خورده است. عملکرد رسانه ها به نحوی است که تقریباً هیچ حوزه ای، نمی توان یافت که در پرتو امواج آنها نباشد. بر اساس همین وسعت و گستردگی، رسانه می تواند موجبات بروز تبعات بسیاری را فراهم آورد. به عبارتی جهانی شدن رسانه های جمعی mass media، چهره جدیدی از قدرت را به وجود آورده است که می توان آن را، چهره نامحسوس قدرت دانست و این امر از طریق دو عنصر سرعت و پیچیدگی ممکن است. سرعت حاصل پیشرفت تکنولوژی و پیچیدگی، ناشی از درهم آمیختن ایده ها و نمادها و تکنولوژی است. این دو عنصر به نوعی موجب پایان یافتن محدودیت های جغرافیایی شده و دورترین سرزمین ها و فرهنگ ها را در دسترس قرار داده اند (رازقی، ۱۳۸۴: ۱۷). در همین راستا کشورهای قدرتمند با تاکید بر امکانات قوی ارتباطی و ماهواره ای درصددند تا سراسر جهان را به عرصه تاخت و تاز امواج تصویری خود تبدیل کرده و به طور یکجانبه و یکسویی افکار جهانیان را در جهت اهداف و امیال خود سوق دهند (خالصی، ۱۳۸۸: ۲۷۶). با این حال از جمله مسائلی که امروزه در رابطه با رسانه ها مطرح است، نقش آن در بحران سازی و یا تشدید روند بحران در زمینه های مختلف از جمله بحران های ژئوپلیتیکی می باشد. که معمولاً با توجه به قدرت عظیم و فوق العاده ای که آن ها، به ویژه در به کارگیری اهرم های خبری و اطلاعاتی و در نتیجه توان تغییر در باورها و نگرش های جمعی و شکل دهی به افکار عمومی دارند، ایجاد این اعمال را برای آنها ممکن می کند. از جمله این موارد می توان به بحران سازی در حوزه ژئوپلیتیک، خصوصاً ژئوپلیتیک جوامع اسلامی، اشاره نمود. که نقش رسانه ها و به ویژه رسانه های غرب، در ایجاد این بحران ها و تشدید آنها قابل تامل است.

بنابراین با توجه به مباحث مطرح شده تا کنون، سوال اصلی این پژوهش می تواند به این صورت باشد که: رسانه، در ایجاد بحران های ژئوپلیتیک در جوامع اسلامی چه نقشی دارد؟ اما در راستای دستیابی به مسئله اصلی پژوهش، چند پرسش دیگر نیز مبنای بحث قرار می گیرد. اینکه: ژئوپلیتیک چیست و چه حوزه هایی را شامل می شود؟ و یا مفهوم رسانه و ویژگی های آن در عصر حاضر چگونه است؟ همچنین این که بحران ژئوپلیتیک چیست و بحران های ژئوپلیتیک در جوامع اسلامی، از چه خصوصیات برخوردارند؟ و نیز صاحبان رسانه به ویژه غرب، با ایجاد بحران های ژئوپلیتیک در جوامع اسلامی، چه منافعی را دنبال می کنند؟ پاسخ اولیه یا فرضیه اصلی این پژوهش را می توان اینگونه مطرح نمود که: به نظر می رسد رسانه ها با اتکا به قدرت تکنولوژیکی و توانایی شان در جهت دهی به افکار عمومی در فرآیند خبررسانی، می توانند در ایجاد و همچنین تشدید بحران های ژئوپلیتیک در جوامع اسلامی نقش داشته باشند.

روش و سازماندهی

روش گردآوری اطلاعات و داده ها در این پژوهش مبتنی بر روش کتابخانه ای و استفاده از منابع اینترنتی و روزنامه ای و همچنین مقالات و کتبی که در این راستا و مرتبط با موضوع پژوهش نگارش شده اند، بوده است. که در قالبی توصیفی و تحلیلی به تبیین مساله اصلی پژوهش می پردازند. این پژوهش از هفت قسمت تشکیل شده است که در کنار هم سازماندهی و ساختار پژوهش را بر عهده دارند. قسمت اول، به بیان مفهوم جوامع اسلامی، می پردازیم. در قسمت دوم به تبیین ژئوپلیتیک و انواع آنها اختصاص می یابد. قسمت سوم، به تبیین و بررسی مفهوم بحران و انواع آن می پردازد. و در قسمت چهارم به بررسی بحران های ژئوپلیتیک در جوامع اسلامی خواهیم پرداخت. و در قسمت پنجم به مفهوم شناسی و نقش و جایگاه رسانه در تحولات مختلف اشاره خواهد شد. همچنین در قسمت ششم تاثیر رسانه بر بحران های ژئوپلیتیک جوامع اسلامی می پردازیم و در نهایت قسمت پایانی به بیان یافته های پژوهش و ارائه نتیجه گیری بحث اختصاص خواهد داشت.

۱. جوامع اسلامی

در ارتباط با جوامع اسلامی می توان گفت که جوامع اسلامی یا جهان اسلام، دربرگیرنده کشورهای می باشد که اکثریت قریب به اتفاق جمعت ساکن آن ها را پیروان دین اسلام و آیین آسمانی حضرت محمد(ص) شامل می شود. البته با اینکه در برخی کشورها، اسلام به عنوان دومین دین مطرح است و این دسته از مسلمانان نیز به عنوان جزئی از مجموعه مسلمانان جهان مطرح اند، اما منظور از واژه جوامع اسلامی در پژوهش حاضر، قسمتی از جهان را شامل می شود که در بین ملل آن، اسلام دین اول بوده و دارای اکثریت پیروان می باشد.

بر این اساس جهان اسلام متشکل از کشورهای عربی و غیر عربی است. گستره جغرافیایی آن از جنوب شرق آسیا تا دروازه های اروپا کشیده شده است. کشور ترکیه از کشورهای اسلامی مجاور اروپا تا کشورهای اسلامی شمال آفریقا نیز که در مجاورت کشورهای جنوب اروپا

واقع شده اند (هادیان، ۱۳۸۸: ۱۴۱). و دین اسلام از مهم ترین اتصالات کشورهای اسلامی به شمار می رود. جایگاه ژئوپولیتیک جهان اسلام در حاشیه هارتلند (ریملند) واقع است (همان: ۱۴۱). همچنین گستره آن حدود یازده کیلومتر طول جغرافیایی، از غربی ترین نقطه در شمال آفریقا تا جزایر جاوه اندونزی و حدود ۶ هزار کیلومتر عرض جغرافیایی از شمال قزاقستان تا جنوب سودان را در بر می گیرد. جمعیت جهان اسلام بر اساس برآوردهای خوش بینانه، یک میلیارد و دویست میلیون نفر می باشد که عمده آنها در گستره پیش گفته در قالب ملیت های مختلف، پیرو دین اسلام هستند (عسگری، ۱۳۸۷: ۱۷۸). اما بیشترین نکته ای که در این جا مطرح است، وضعیت ژئوپولیتیک جوامع اسلامی می باشد. اینکه جوامع مذکور در چه موقعیت جغرافیایی-سیاسی قرار گرفته اند و از چه ویژگیهایی در این راستا برخوردارند که منجر به اهمیت آنها گردیده است.

۲. مفهوم ژئوپولیتیک

اما موضوع ژئوپولیتیک نیز مطالعه مبانی جغرافیایی قدرت دولت هاست. نقش ویژگیهای سرزمینی، آب و هوا، منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، ویژگیهای جمعیتی و خصوصیات فرهنگی بر شکل و عملکرد نظام سیاسی مورد بحث این شاخه از دانش سیاسی است (بشیریه، ۱۳۸۶: ۵۷). از لحاظ مفهومی نیز مفهوم «ژئوپولیتیک» مرکب از دو واژه «ژئو» به معنی زمین و «پولیتیک» به معنای سیاست است. در فارسی معادل هایی همانند «سیاست جغرافیایی»، «علم سیاست جغرافیایی» و «جغرافیا-سیاست شناسی» برای آن ذکر شده است. در انگلیسی، به آن «جیوپالیتیکس» (Geopolitics) در آلمانی به خاستگاه اصلی آن، در «گئوپولیتیک» (Geopolitike) و در فرانسوی «ژئوپولیتیک» (geopolitique)، اطلاق شده است (سلیمی، ۱۳۸۱: ۶۳). همچنین با توجه به دایره المعارف بریتانیکا ژئوپولیتیک، تجزیه و تحلیل تأثیرات جغرافیایی بر مناسبات قدرت در روابط بین الملل می باشد، "در حالی که دیکشنری انگلیسی معاصر ژئوپولیتیک را به عنوان مطالعه تأثیر موقعیت یک کشور، جمعیت و غیره، در سیاست های آن معنی می کند (Gokman, 2010: 14-15). در مجموع واژه "ژئوپولیتیک" در سال ۱۹۸۸، توسط یک دانشمند علوم سیاسی سوئدی به نام رودلف کی الین، ابداع شد که سابقه ای طولانی و متنوع در قرن بیستم داشته، هر چند که این واژه در حال حرکت، فراتر از معنای اصلی خود در کار کی الین است، با دلالت بر یک نگرانی عمومی از نظر جغرافیا و سیاست (جغرافیایی-سیاست) (Tuatbail, Dalby & Routledge, 1988: 1).

با این وجود باید توجه داشت که واژه ژئوپولیتیک، از زمان وضع آن در یک قرن گذشته از نظر مفهومی و فلسفی دچار شناوری بوده، و هنوز بر سر ماهیت آن اتفاق نظر وجود ندارد و دیدگاه های متفاوتی درباره ی ماهیت آن ابراز شده است (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۲۲). گوناگونی تعابیر و تعاریف مطرح شده درباره ی ژئوپولیتیک نیز نشان از نگرش های متفاوت به این موضوع دارد. در زیر به چند نمونه از این تعاریف مطرح شده درباره ژئوپولیتیک می پردازیم:

- مبدع واژه، کی الین، آن را به عنوان تئوری دولت چون یک ارگانیسم جغرافیایی یا پدیده در فضا تعریف کرده است. "از سوی دیگر نظریه پرداز برجسته جغرافیای سیاسی هاوس هوفر، ژئوپولیتیک را به عنوان علم بلند پروازانه تعریف کرده؛ ژئوپولیتیک دانش ملی جدید دولت است (...). یک دکتترین در جبر فضایی تمام فرایندهای سیاسی، بر اساس مبانی گسترده جغرافیا، خصوصا جغرافیای سیاسی." (Gokman, 2010: 15)

- رابرت استروش هوب (Robert Sttauz-Hupe) درباره ژئوپولیتیک در سال ۱۹۴۲ بیان می دارد که «ژئوپولیتیک» یک طرح جهانی استراتژی سیاسی است که از سوی نظریه پردازان دهه ۱۹۲۰ آلمان به طور استادانه ای پرداخت شده است. این طرح کلان هدف و چرایی غلبه و پیروزی را نشان می دهد و استراتژیست نظامی را در جهت ساده ترین روش پیروزی هدایت می کند.» (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۷۸). در هر صورت می توان گفت اصولا ژئوپولیتیک در صدد تبیین این موضوع است که چگونه فاکتورهای جغرافیایی، از جمله سرزمین، جمعیت، موقعیت استراتژیک منابع طبیعی و غیره بر روابط کشورها و تلاش آنها برای کسب قدرت و استیلا بر دیگران موثر است (متقی، ۱۳۸۷: ۱۰). در واقع آنچه مربوط به اقتصاد در موازنه های جهانی و منطقه ای می شود، از دید ژئواکونومیک شایان بررسی است و مسائل مربوط به آب و بازیهای سیاسی مربوط به آب از دیدگاه هیدروپولیتیک مورد مطالعه قرار دارد و همه این اصطلاحات و اصطلاحات مشابه زیر چتر مطالعات ژئوپولیتیک قرار دارند (مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۱۶۵). اما جوامع اسلامی نیز با توجه به موقعیتی که در آن قرار گرفته اند، دارای ویژگی های ژئوپولیتیک منحصر به فردی هستند که باعث می شود در مرکز توجه جهانیان قرار گیرند.

۲-۱. ژئوپولیتیک جوامع اسلامی:

در رابطه با موقعیت ژئوپولیتیک جوامع اسلامی و اهمیت آن می توان گفت که مطابق نقشه فعلی جهان، کشورهای اسلامی از شمال غرب تا اقیانوس آرام و از دریای مدیترانه تا اقیانوس هند گسترش دارد. لذا به اغلب راه های آبی و تجاری جهان از تنگه هرمز گرفته تا جبل الطارق و کانال سوئز احاطه دارند (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۳). دو سوم نفت جهان و دارنده بالاترین ذخیره گازی در جهان هستند. به علاوه معادن

بسیاری که از نقطه نظر راهبردی برای کشورهای صنعتی بسیار مهم است را در اختیار دارند (همان: ۱۳). در رابطه با مناطق مهم در جوامع اسلامی، نمونه هایی وجود دارند که از نقش و جایگاه خاصی برخوردارند. از جمله این مناطق، می توان به آسیای مرکزی و قفقاز، حوزه خزر، خاورمیانه و خلیج فارس اشاره نمود. اهمیت ژئوپولیتیک آسیای مرکزی و قفقاز تا به حدی است که حتی برخی از صاحب نظران در مقابل این فرضیه که منابع انرژی موجب اهمیت دادن به این منطقه شده است، معتقد هستند که اهمیت ژئوپولیتیک منطقه باعث اهمیت یافتن منابع انرژی شده است (بهادرخانی و موسوی، ۱۳۹۱: ۱۴۸). همچنین حوزه خزر نیز از جایگاه مهمی برخوردار است و از لحاظ ذخایر انرژی در رتبه دوم جهان قرار دارد. به طوری که مطابق برآورد متخصصین جغرافیای سیاسی، ذخایر نفتی دریای خزر ممکن است از لحاظ کمی قابل مقایسه با ذخایر نفتی خلیج فارس نباشد، ولی از لحاظ کیفی قابل ملاحظه بوده و می تواند جایگزین مناسبی برای منابع انرژی در قرن بیست و یکم باشد. به طوری که برآورد می شود کل دریای خزر به عنوان یک حوزه پر از نفت و گاز طبیعی است که از جمهوری آذربایجان شروع شده و تا ساحل مقابل آن در جمهوری های قزاقستان و ترکمنستان ادامه پیدا می کند (آروانتیوپولوس، ۱۳۷۷: ۱۳۸).

با این حال، مهمترین منطقه در جهان اسلام از نظر ژئوپولیتیک، منطقه خاورمیانه است که به نظر می رسد به جا باشد با توجه به اهمیت و جایگاه این منطقه، آن را قلب جهان اسلام بنامیم. منطقه خاورمیانه، خاور نزدیک و خلیج فارس در مرکز جهان اسلام واقع است. اصطلاح "خاورمیانه" یا "خاور نزدیک" یا "خاورمیانه و نزدیک" در چند دهه ی اخیر به صورتهای گوناگون به کارگرفته شده و حدود جغرافیایی مورد شمول آن هرگز وضع مشخص و یکنواختی پیدا نکرده است. این اصطلاح شامل همه ی سرزمین های واقع شده در بخشی از جهان می شود که از شمال آفریقا گرفته تا حدود هندوستان ادامه پیدا می کند، و از قفقازیه گرفته تا آنسوی دریای سرخ را شامل می شود و به عنوان یک "منطقه" جغرافیایی - ژئوپولیتیک مورد توجه قرار می گیرد (مجتهد زاده، ۱۳۷۷: ۱۷۹-۱۷۸). اما اصطلاح خاورمیانه را اول بار در ۱۹۰۲ م. مورخ دریایی آمریکایی، آلفرد ماهان به کار برده است و منظور وی تشریح منطقه اطراف خلیج (فارس) بود که چون از قاره اروپا به آن نگریسته می شد، نه خاور نزدیک به حساب می آمد و نه خاور دور. (درایسدل و اچ. بلیک، ۲۰۱۳: ۲۰). در این منطقه تنها ذخایر نفت نیست که اهمیت دارد؛ این منطقه از هر جهت حساس ترین نقطه جهان کهن به شمار می رود که هر گونه آشفتگی که در سایه عوامل بیرونی در آن پدید آید، پیامد هایی برای اروپا و آفریقا خواهد داشت (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۸۷: ۲۱). البته امروزه این تاثیر پذیری تنها مختص اروپا و آفریقا نبوده و شاید می توان گفت تمامی کشورهای صنعتی تحت تاثیر و وابسته به انرژی و به تبع حوادث و تغییرات داخلی منطقه خاورمیانه می باشند. اهمیت این منطقه و البته سایر مناطق جهان اسلام تنها به بحث انرژی و فراوانی ذخایر انرژی در آن محدود نمی شود. به این صورت که یکی از نقاط حساس خاورمیانه، منطقه خلیج فارس است. منطقه خلیج فارس با دارا بودن تنگه های هرمز و باب المندب و منطقه مدیترانه؛ با دارا بودن تنگه های بسفر و داردانل و جبل الطارق مرکز جهان اسلام را با ارتباطات شبکه ای دریایی اعم از تجارت دریایی و تردد نفت کش ها با آسیا و اروپا مرتبط ساخته است (هادیان، ۱۳۸۸: ۱۴۳). با توجه به نکات ذکر شده بی دلیل نیست که منطقه ژئوپولیتیک محور خزر - خلیج فارس تحت عنوان هارتلند یا قلب زمین نام گرفته است. مفهوم مذکور برگرفته از نظریه هارتلند مکنیدر است که هارتلند تازه نامیده شده است.

در مجموع جوامع اسلامی با بهره مندی از منابع فراوان انرژی و دسترسی به مسیر های ترانزیت مانند؛ تنگه هرمز، کانل سوئز، تنگه باب المندب و کانال مالاکا که به دلیل ژئوپولیتیک خاص و موقعیت قرارگیری این مناطق در مرکز جهان است، با مسائل مختلفی روبه رو گشته و باعث اهمیت منطقه و جلب توجه کشورهای جهان می شود. همان موضوعی که می تواند سبب بروز تنش و اختلاف در منطقه و دخالت های خارجی و به تبع شکل گیری بحران های مختلفی، از جمله بحرانهایی با ماهیت ژئوپولیتیک، در این منطقه گردد.

۳. مفهوم بحران

در گستره تغییر و تحولات جدید حادث در جهان امروز؛ یکی از پر اهمیت ترین دانشواژه های شناخته شده، مفهوم "بحران" است که از جایگاه خاصی در حوزه سیاست برخوردار است. صاحب نظران بحران را وضعیتی تعریف کرده اند که نوعی از آشفتگی و پریشانی را در عناصر یک ساختار یا نظام که ساز و کارهای نظم بخشی خارج از عهده خود نظام است، نشان می دهد (عیوضی، ۱۳۸۷: ۵۶). اما پدیده بحران به دلیل تنوع در موضوع و حوزه های شکل گیری آن و همچنین عواملی که در به وجود آمدن آن تاثیر گذارند و نیز تنوع در بخش هایی که بحران آنها را به چالش می کشد، باعث گردیده تا تعاریف و تعبیرات متعددی در خصوص چیستی و ماهیت این موضوع مطرح گردد. که به اختصار به آنها اشاره خواهد شد.

- "واینر" و "کان" در یک نگرش جامع و همه جانبه برای بحران، تعاریف زیر را ارائه کرده اند:

- ۱- نقطه چرخش در رویدادها و کنش ها پیامد های غیر منتظره ای به دنبال می آورد. ۲- شرایطی که واکنش فوری شرکت کنندگان را طلب کند. ۳- شرایطی که ایجاد نااطمینانی کند. ۴- کاهش کنترل بر رویدادها ۵- شرایطی که همواره با افزایش فشارها و تنش برای کارکنان و جوامع باشد. (دباغیان، ۱۳۸۴: ۹)

-روزنتال و همکارانش، بحران را «تهدیدی جدی نسبت به ساخت های زیربنایی و یا ارزش ها و هنجارهای بنیادین یک سیستم، که تحت محدودیت زمان و شرایط عدم قطعیت شدید، اتخاذ تصمیمات حیاتی را الزامی می سازد» تعریف کرده اند (حسینی، ۱۳۸۵: ۴۵).

-از نظر برداشت عمومی نیز بحران عبارت است از: «به وجود آمدن شرایط غیر معمول یا غیر متعارف در روند حرکت یک سیستم» به بیان دیگر بحران وضعیتی است ناپایدار که در یک یا چند قسمت از عناصر متغیر نظم موجود ایجاد می شود. (طاهریان، ۱۳۸۸: ۱۵۹)

در مجموع چون این واژه از قطعیت برخوردار نیست، باید بدون تعلل، از معنایی که این کلمه در آن به کار می رود برداشتی کرد. حتی اگر درباره معنای واژه «بحران» توافق ناگفته ای باشد، چنین توجهی لازم به نظر می رسد (مازور، ۱۳۶۷: ۲۰). اما همانطور که قبلاً نیز مطرح شد، به دلیل تنوع بحران ها از حیث موضوع، گستره مکانی (بین المللی، منطقه ای، ملی، محلی)، مدت به طول انجامیدن، بازیگران دخیل در وقوع آن، عوامل و مشکلات بحران ساز و ... می توان انواع مختلفی برای آنها ذکر نمود و آنها را در دسته بندی های متفاوتی جای داد. از آن جمله می توان به بحران های داخلی و خارجی، بحران های فوری یا تدریجی، بحران ادامه دار، بحران های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، بحران های زیست محیطی و ... اشاره کرد. بحران های ژئوپلیتیکی نیز که مبحث اصلی این پژوهش را به خود اختصاص داده است، نمونه دیگری از این نوع بحران ها هستند که معمولاً در پهنه جغرافیای سیاسی شکل می گیرند و در نتیجه مسائل خاصی را شامل می شوند، که در ادامه بحث به تفصیل به این مورد خواهیم پرداخت.

۳-۱. بحران های ژئوپلیتیکی:

همانگونه که در مبحث ژئوپلیتیک عنوان شد، موضوع ژئوپلیتیک برگرفته از مسائل جغرافیایی، سیاست و قدرت می باشد. و طبیعتاً بحران های شکل گرفته در این حوزه نیز خارج از مباحث جغرافیایی و سیاسی مابین کشورها نیستند، یعنی در واقع از ماهیتی سیاسی-جغرافیایی؛ همانند مسئله آب، اختلافات مرزی و قومی، دینی و .. برخوردار اند. و باید برای شناخت بحران های ژئوپلیتیکی بر این مسائل تاکید داشت.

معمولاً بحران های ژئوپلیتیکی نوع خاصی از بحران های بین المللی هستند که از منشاء جغرافیای-سیاسی برخوردارند. این موضوع مهم ترین مشخصه بحران های ژئوپلیتیکی است. برخلاف بحران های بین المللی اقتصادی یا سیاسی که ممکن است تبعات منفی و بازتاب های جهانی آن ها بسیار گسترده تر از نوع خاص بحران های ژئوپلیتیکی باشد، با این حال، هیچ کدام از این بحران ها مانند بحران های ژئوپلیتیکی بنیان های وجودی دولت-ملت ها را تهدید نمی کنند (ولیکلی زاده، احمدی پور و حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۱۱۴-۱۱۳). در حقیقت بحران ژئوپلیتیک، کشمکش است که موضوع آن یک متغیر یا یک ارزش جغرافیایی است. این بحران ها دیرپا هستند، یعنی به سادگی قابل حل نیستند و به طور مستقیم با پدیده منافع ملی و موضوع منافع ملی و درک دولتها نسبت به آن پیوند می خورند. بحران ژئوپلیتیک به کندی و سختی به صلح تبدیل می شود. بحرانهای ژئوپلیتیک اغلب دارای خصلت و قابلیت گسترش هستند (حافظ نیا و رضوی، ۱۳۸۴: ۱۱ و ۱۲). به لحاظ راهبردی نیز بنیان های جغرافیایی بحران های ژئوپلیتیکی را می توان در سه حوزه کاملاً متفاوت مبانی جغرافیایی-سیاسی، جغرافیایی-فرهنگی و جغرافیایی-اقتصادی مورد بررسی و تحلیل قرار داد (ولیکلی زاده، احمدی پور و حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۱۱۱). از این رو مشکلات و اختلافات بر سر موضوعاتی چون مسائل جغرافیایی-سیاسی مانند تمامیت ارضی، مرزها و ...، مسائل جغرافیایی-اقتصادی مانند انرژی، آب و ...، مسائل جغرافیایی-فرهنگی مانند ملیت و قومیت، زمینه ساز بحران های ژئوپلیتیک هستند و می توانند به صورت بالقوه بحران ساز باشند. پس بحران انرژی، بحران کم آبی، اختلافات مرزی و ... با نام بحران های ژئوپلیتیک شناخته می شوند. که در ادامه بحث به توضیح درباره آنها خواهیم پرداخت.

۳-۲. انواع بحران های ژئوپلیتیکی:

در رابطه با بحران های ژئوپلیتیکی، می توان براساس ماهیت شکل گیری بحران، به دسته بندی آنها پرداخت. بر همین اساس برخی از بحران های ژئوپلیتیکی وجود دارند که درون مایه آنها بر گرفته از مباحث انرژی و مسائل اقتصادی است. در واقع، طی ۲۰ سال اخیر، موضوع انرژی و به تبع آن امنیت انرژی به بحثی حساس بدل شده و ارتباط تنگاتنگ با امنیت ملی و منطقه ای واحدهای سیاسی پیدا کرده است. امروزه موضوع انرژی به عنوان متغیر و ابزاری که مستقیماً سبب شکل دهی و تاثیرگذاری بر قدرت و رقابت ملی می گردد، از حساسیت بالایی برخوردار است. روند افزایش بهای جهانی انرژی طی دو دهه اخیر نیز خود سبب اهمیت فاکتور انرژی در مناسبات و محاسبات بین المللی شده است (واعظی و منفرد، ۱۳۹۳: ۶۴). در نتیجه افزایش یا کاهش قیمت انرژی می تواند بحران جدی برای کشورهای صادر کننده و وارد کننده انرژی ایجاد کند. (بحرانی بین المللی چون جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱)

در کنار آن موضوع آب نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. به طوری که عنوان می شود جنگ آینده ممکن است جنگ بر سر آب باشد. امروزه تنش بر سر تقسیم منابع آب شیرین موجود در جهان که در تمام مناطق دنیا بروز کرده است اشکال مختلفی دارد که از ایجاد

تضاد میان «آب بران» شهری و کشاورزی در غرب ایالات متحده تا جنگ تمام عیار در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس را در بر می گیرد. هر چند عوامل اجتماعی-اقتصادی، امکان دسترسی به آب را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد اما مناقشه بر سر «حق آب» در حوزه رودخانه ها و دریاچه ها که بین دو یا چند کشور مشترکند یا آب آبخانه هایی که فراتر از مرزهای بین المللی می روند، مشکل دسترسی به آب را باز هم پیچیده تر می کند. حوزه رود نیل، رودخانه اردن، دجله و فرات، سند، گنگ و براهماپوترا، و ارون رود از جمله مناطقی هستند که مناقشه بر سر آب در آنها امری بالقوه بوده که بالفعل در آمده است (صادقی، ۱۳۷۶: ۲۰۱).

نوعی دیگر از بحران های ژئوپلیتیکی وجود دارند که ماهیت آنها به اختلافات سرزمینی و مرزی برمی گردد. به طوری که می توان این احتمال را داد که اختلافات مرزی و سرزمینی از جایگاهی برابر با دو مورد قبلی و یا شاید بالاتر، در ایجاد بحران های ژئوپلیتیکی برخوردار هستند. ادعاها و اختلافات سرزمینی که به نوعی می توان انواع مختلف و متفاوت اختلافات مرزی، مالکیت و حاکمیت سرزمینی را در آن ها مشاهده کرد، برجسته ترین نوع بنیان های جغرافیایی بحران های ژئوپلیتیکی محسوب می شوند. معمولاً ادعاها و اختلافات سرزمینی دولت ها نسبت به یکدیگر به دلیل ایجاد فضای رقابتی در سرزمین مورد ادعا باعث شکل گیری بحران های ژئوپلیتیکی می شود (ولیکی زاده، احمدی پور و حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۱۱۵). مراحل تحدید حدود و علامت گذار که معمولاً همراه با قراردادهای مرزی صورت می گیرد، هیچ دولتی را از اختلافات مرزی مصون نمی دارد. گاهی اوقات با اینکه مرزها از نظر فیزیکی و قانونی کامل هستند و تمام مراحل را پشت سر گذارده اند، از نظر عملکرد، بویژه در زمینه تخصیص منابع آسیب پذیراند (پیمانخواه، ۱۳۹۰). همچنین در کنار این نوع از بحران ها، نقش مسائل قومیتی و دینی نیز در ایجاد بحران ژئوپلیتیکی قابل بررسی است. مرور تحولات سیاسی جهان نشان می دهد که در آغاز قرن بیستم، قومیت و ملی گرایی قومیتی منشاء رخدادها و چالش های داخلی و بین المللی پرشماری بوده اند که در ضمن بر هم زدن ثبات سیاسی و یکپارچگی سرزمینی دولت ها، به ایجاد و تشدید بحران های بین المللی انجامیده اند. فروپاشی امپراتوری های بزرگ اتریش، مجارستان و عثمانی و پیدایش دولت های جدید بر مبنای ناسیونالیسم قومیتی، حکایت از اهمیت ویژه این متغیر در معادلات قدرت در سطوح مختلف منطقه ای و بین المللی دارد (ولیکی زاده، احمدی پور و حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۱۱۷) در اشاره به اختلافات دینی نیز، در کنار این که مناقشات دینی نوعی دیگری از مناقشات قومیتی شناخته می شود، نقش دین در مناقشات قومیتی نشان می دهد که این عامل همواره در بستر بسیاری از اختلافات و مناقشات قومیتی خالق بحران های ژئوپلیتیکی بوده است و معمولاً در چنین مناقشات دینی نقش دین در ایجاد یک اجتماع قومیتی یا ترویج اندیشه های ناسیونالیستی پررنگ تر از آداب و رسوم عمومی است (همان، ۱۳۳).

در مجموع آنچه که درباره بحران های ژئوپلیتیک می توان گفت این است که این نوع از بحران ها، سوای اینکه دارای منشاء جغرافیایی و سیاسی هستند، ولی هم از نظر گستردگی و هم از بعد توان دست یابی به راه حل و حل مسئله نسبت به دیگر بحران ها، از عمق بیشتری برخوردارند. همچنین زمینه های شکل گیری این بحران ها، به عوامل مختلفی از قبیل؛ مسائل قومیتی، سرزمینی، مناقشات دینی و موضوع انرژی بستگی دارد.

۴. بحران های ژئوپلیتیک جوامع اسلامی

در ارتباط با جوامع اسلامی، با توجه به موقعیت جغرافیایی که این جوامع در آن واقع شده اند، طبیعتاً با مسائل مختلفی روبه رو هستند. قرار گرفتن جوامع مذکور در محدوده ای جغرافیایی با خصوصیتی همچون کمربند خشک، اختلافات مرزی، دسترسی به کانالهای ترانزیتی، پراکندگی مذاهب، اقوام و گروه ها و همچنین وجود منابع عظیم انرژی و ... خود شرایطی را به وجود آورده است که می تواند زمینه ساز بسیاری از تنش ها و اختلافات برای اعضای این جوامع شود. تنش ها و اختلافاتی که از آن ها تحت عنوان بحران های ژئوپلیتیکی یاد می شود. با این حال، هرچند به دلیل گستردگی محدوده جغرافیایی که جوامع اسلامی در آن قرار گرفته اند، و نیز تنوع در مسائل و موضوعات حادث در این نقاط، امکان پرداختن به تمامی آنها در پژوهش حاضر وجود ندارد. به همین دلیل، تلاش می شود تا به اهم این مسائل که بیشتر آن ها در چارچوب موضوعاتی چون مناقشات قومیتی و دینی، تنش های مرزی و سرزمینی، مسائل زیست محیطی و موضوع انرژی مطرح می شوند پرداخته شود و همچنین دو منطقه ای که از جایگاه و اهمیت بیشتری برخوردار هستند، یعنی خاورمیانه و حوزه خزر، بیشتر مورد تاکید قرار گیرند.

اما از جمله بحران های ژئوپلیتیکی که در جوامع اسلامی بروز کرده اند، مبحث قومیت و مناقشات قومی می باشد. جهان اسلام با جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر به منزله یک قطب جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بزرگ، گستره وسیعی از کره خاکی را در بر می گیرد که با داشتن قابلیت های قومی برای همگرایی، گرفتار عوامل متعددی در واگرایی است (عسگری، ۱۳۸۷: ۱۷۷). لذا همین مسئله مسبب چالش های فراوانی از نظر مناقشات قومی در این جوامع می شود. و از جمله مناطقی که بیشتر در معرض این شرایط قرار دارد، منطقه خاورمیانه می باشد. به طور کلی ترکیب جمعیتی منطقه خاورمیانه عامل مهمی در درک تحولات ژئوپلیتیکی و جغرافیای سیاسی آن است. بر این اساس تنش های قومی به عنوان ویژگی برجسته ترکیب جمعیتی منطقه احتمالاً پیامدهای سرزمینی داشته و می تواند خود را در قالب

فرآیند هایی همچون تغییرات مرزی بین کشوری، ایجاد حکومت های خود مختار محلی، تغییر نظام سیاسی متمرکز به فدرال و یا ایجاد دولت های سرزمینی جدید نشان دهد (افضلی، ۱۳۸۵: ۱۶۴).

از دیگر مباحث ژئوپلیتیکی در جوامع اسلامی که ارتباط بسیار نزدیکی هم با تنش های قومی دارد، موضوع مناقشات و اختلافات دینی و مذهبی می باشد. دلیل ارتباط دو موضوع بیان شده این است که معمولاً در تعارضات قومی، حضور دین چشم گیر است. با این حال به دلیل تنوع ادیان و مذاهب مختلف در جوامع اسلامی، امکان شکل گیری مناقشات دینی و مذهبی بسیار محتمل است. از نمونه این تنش ها می توان به مناقشاتی در کشورهایمانند لبنان (میان ارامنه و مسلمانان) و فلسطین (مابین مسلمانان و یهودیان) و همچنین منطقه کشمیر، مابین هند و پاکستان رخ می دهد، اشاره نمود. در رابطه با اختلافات مذهبی، بیشترین موردی که در جوامع اسلامی به چشم می خورد، وجود اختلاف بین دو مذهب بزرگ اسلامی، یعنی تشیع و تسنن است. این مناقشات هرچند دارای سابقه ای طولانی هستند، اما امروزه به دلایل فراوانی از جمله مداخله عوامل خارجی، از نظر ماهیت، دچار پیچیدگی خاصی شده اند و حتی در برخی موارد منجر به شکل گیری گروه های تندرو و سلفی از جانب هر دو طیف گردیده و توانسته اند جوامع اسلامی را با چالش های عمده ای روبه رو سازند.

نمونه دیگر از اختلافات ژئوپلیتیکی در جوامع اسلامی، به موضوع انرژی بر می گردد. منطقه خلیج فارس با تامین بخش عظیمی از انرژی مورد نیاز جهان و موقعیت ژئوپولیتیک آن، از دیر باز مورد توجه قدرت های جهان بوده و تلاش برای اعمال سلطه و حفظ نفوذ در این منطقه به یکی از سیاست های راهبردی آن ها تبدیل شده است (یزدانی، توپسرکانی، ۱۳۹۰: ۱۶۹). اما در رابطه با اهمیت انرژی، تحول در نگرش و دستیابی به آن پس از جنگ سرد با عقب نشینی صبغه های ایدئولوژیک، رفتار قدرت های جهانی بیش از گذشته قابل تبیین و پایش می باشد. در این میان قابل پیش بینی ترین آنها تلاش برای دستیابی به مواهب اقتصادی در عرصه های جغرافیایی است. که وجه غالب رفتار اکثر کشورها در عصر جهانی شدن می باشد. در شرایط فعلی جهان، حداقل ۴ بازیگر در صحنه جغرافیای سیاسی جهان وجود دارند که حائز چنین شرایطی می باشند. این قدرت ها شامل ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و روسیه می باشند (احمدی پور، لشگری، ۱۳۸۸: ۶۲). بر این اساس جوامع اسلامی، بخصوص مناطقی چون خاورمیانه و خلیج فارس به دلیل داشتن منابع فراوان انرژی، از توجه و اهمیت بیشتری برخوردار هستند.

به لحاظ تحولات زیست محیطی نیز بیشترین مسئله ای که در جوامع اسلامی به چشم می آید، موضوع کم آبی و خشکسالی ناشی از آن می باشد. در این مورد می توان مشاهده کرد که کشورهای اسلامی واقع در خاورمیانه و شمال آفریقا از معضل طبیعی کم آبی و بی آبی رنج می برند. همین مسئله باعث فراهم آوردن زمینه چالش بین کشورهای دارای حوضه های مشترک آب گردیده و آب را به یک موضوع ژئوپولیتیکی تبدیل کرده است (عسگری، ۱۳۸۷: ۱۷۷). در جهان اسلام، نقاط ملتهب مرتبط با آب عبارتند از: درگیری عراق، سوریه و ترکیه (به عنوان کشوری با آب زیاد) بر سر دجله، فرات و Orontes؛ ایران و افغانستان بر سر رودخانه های هلمند؛ مصر، اتیوپی و سودان بر سر نیل؛ اسرائیل، اردن، سوریه و لبنان بر سر رودخانه های اردن؛ یرموک و لیتانی و رودخانه های کرانه غربی. (منزوی، ۱۳۸۸: ۴۱) در رابطه با تنش های مرزی و سرزمینی نیز در جوامع اسلامی، می توان گفت که در این مناطق به دلیل مسائلی چون: سابقه وجود استعمار و نقش آن در ترسیم مرزها و مشخص نبودن دقیق محدوده آن، و نیز وجود اقوام و گروه های مختلف و در برخی موارد پراکندگی آن ها در میان چند کشور، موجبات شکل گیری چالش هایی برای کشورهای اسلامی به صورت بالقوه فراهم گردیده است. برای مثال می توان به منطقه خلیج فارس اشاره نمود. تقریباً تمامی کشورهای منطقه خلیج فارس دچار مشکلات و اختلافات ارضی و مرزی باهم دیگر هستند. گفته می شود این اختلافات به حدود ۵۰ مورد می رسد که باعث بروز ۶۰ جنگ مرزی بین کشورهای منطقه شده است (عسگری، ۱۳۸۷: ۱۸۴).

در مجموع با توجه به توضیحاتی که در رابطه با موضوع ژئوپلیتیک و بحران های ژئوپلیتیکی بخصوص در جوامع اسلامی ارائه شد، اکنون می توان به مبحث اصلی پژوهش که بررسی نقش رسانه ها در بحران سازی یا تشدید بحران های ژئوپلیتیکی در جوامع اسلامی، پرداخت. اینکه نقش رسانه در این مبحث تا چه اندازه اهمیت دارد و چه ابعادی را تحت تأثیر قرار می دهد، مسئله ای اصلی ما که در ادامه به آن می پردازیم.

۵. رسانه و نقش آن در تحولات دنیای امروز

رسانه در ساده ترین تعریف، ابزاری است که اطلاعات در اختیار ما قرار می دهد. بنابراین انسان، نخستین رسانه است. اما با گذشت زمان، وسایل ارتباطی از حد ارتباط انسان با انسان فراتر رفته و به ارتباط انسان با ابزارهای مصنوعی مبدل شده است (رازقی، ۱۳۸۴: ۱۸). به این صورت که اصطلاح "رسانه" شامل طیف وسیعی از رسانه های ارتباطی مدرن چون: تلویزیون، سینما، ویدئو، رادیو، عکس، آگهی ها، روزنامه ها و مجلات، موسیقی ضبط شده، بازی های کامپیوتری و اینترنت است. بسیاری از این ها، اغلب "مجموعه" رسانه نامیده می شوند، که نشان دهنده دسترسی به مخاطبان کثیری است. با این حال، برخی از رسانه ها فقط دسترسی به معدود یا بخصوصی از مخاطبان را مدنظر دارند، و آنها نیز می توانند مهم باشند. مفاد رسانه برنامه ها، فیلم ها، تصاویر، وب سایت ها (و غیره) است که توسط این اشکال مختلف ارتباطات انجام

می شود (Buckingham, 2003:1). اما این ابزار دارای نقش و جایگاه مهمی در تحولات جوامع بشری می باشد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۵-۱. نقش و جایگاه رسانه در تحولات امروز:

در رابط با نقش و جایگاه رسانه در دنیای امروز و همچنین تحولات پیرامون آن، بی هیچ شبهه ای می توان گفت زمانه ما، زمانه رسانه ای است، بدون رسانه جهان امروز شناختنی نیست. انسان امروز نیز انسان رسانه ای است؛ مصرف رسانه جزء لاینفک حیاتی انسان جدید است، نه تنها انسان شهر نشین، که انسان روستایی، عشایری و حتی چوپان در بیابان؛ رسانه ها به نوعی مونس تنهایی انسان جدید نیز هستند؛ ارتباطات انسان با انسان در بسیاری از موارد جای خود را به ارتباط انسان با رسانه داده است، انسان رسانه ای دارای شخصیت چند لایه است، از سویی لایه قومی- ملی را دارا است، از سوی دیگر لایه جهانی را در شخصیت جای می دهد (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۳۰). به طوری که می توان گفت رسانه ها مرزهای جغرافیایی را در می نوردند و ارتباطات را به شیوه فراملی و جهانی گسترش می دهند. امروزه نفوذ رسانه ها از هر زمانی بیشتر است. فناوری با در اختیار نهادن ابزارهای مناسب سبب تاثیر روزافزون تر رسانه ها می شود (دودی، ۱۳۸۷: ۲۷). در حقیقت اشاعه فرهنگ و اطلاعات، انفجار فناوری ها و شبکه های ارتباطی و گسترش صنایع فرهنگی از مشخصات بارز دهه های پایانی قرن بیستم است. این پیشرفت ها در رشد و توسعه ارتباطات به لحاظ بین المللی تاثیر اجتماعی- سیاسی چشمگیری داشته است (سمتی، ۱۳۸۵: ۳۳). مطالعات رسانه نشان می دهد که ارزش های غالب در جامعه، ایدئولوژی های سیاسی، نوآوری ها در بخش های مختلف حرفه ای و علمی و دیگر موارد مشابه در زمین حاصلخیز فرهنگ رسانه رشد و نمو می یابد (صبری، ۱۳۹۰، www.bashgah.net). به همین دلیل ارتباطات نقش تعیین کننده ای در شکل دهی فرهنگ دارد، زیرا همان گونه که پستمن می گوید «ما واقعیت را ... آن گونه که هست نمی بینیم، بلکه آن گونه می بینیم» زبانهایمان هستند {زبانهایمان می نمایند}. و زبانهای ما رسانه های ما هستند. رسانه های ما استعاره های ما، استعاره های ما محتوای فرهنگ ما را می آفرینند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۸۶). از همین رو، می توان خاطر نشان کرد که رسانه ها با تصاویر، تجویز و تعریفی که به ما ارائه می کنند، در حقیقت به ما می گویند جامعه را چگونه ببینیم و گاهی اوقات بیان می کنند که چگونه در جامعه عمل کنیم (Jwani: <http://www.stopracism.ca/content/racism-and-media>).

با توجه به این نکته، اگرچه در گذشته قدرت در داشتن توان نظامی و هم چنین در مهیا بودن شرایط اقتصادی، خلاصه می شد، اما امروز تنها وجود این عناصر برای قدرتمند بودن کفایت نمی کند. بلکه امروزه قدرت معانی دیگری یافته است و آن تسلط بر اطلاعات می باشد. و شاید به همین دلیل خوزه اورتگا، گفت هرگز کسی در عالم خاکی فرمانروایی نکرده است «مگر اینکه فرمانروایی خود را به چیزی غیر از افکار عمومی مبتنی نکرده باشد» (عالم، ۱۳۸۶: ۳۶۵). در واقع امروزه رسانه های جدید، انحصارات گذشته را با برقراری انحصارات تازه و جدید پایمال کرده و سرچشمه های قدرت و نفوذ را از یک گروه اجتماعی به گروه دیگر منتقل نموده اند. وانگهی رسانه های جدید نه فقط مراکز قدرت تازه ای ایجاد می کنند، بلکه شیوه های فکری و ارتباطی نوینی را به وجود می آورند که آفریننده درک و برداشتهای نو و ویژه ای در تمام زمینه های زندگی و مظاهر آن، از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ و امثال اینها هستند (رستگارمقدم، ۱۳۷۹: ۱۳۴). بر این اساس معمولاً قدرت رسانه ها نمادین و متقاعد کننده است، به این معنا که رسانه ها عمدتاً برای کنترل ذهن خوانندگان یا بینندگان تا حدی استعداد دارند، اما نه به طور مستقیم. رسانه به طور کلی غیر مستقیم اند، که این چیزی سوا از موارد خشونت، نیروی قهرآمیز، کنترل عمل که هدف نهایی اعمال قدرت است، می باشد. (Van Dijk: www.discourses.org, 10) در واقع می توان گفت، منطق و سازمان رسانه های الکترونیک چهارچوبها و ساختارهای سیاست را ایجاد می کنند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۷۶). به همین جهت برای برخی از نظریه پردازان، قدرت رسانه ها مقاومت ناپذیر شده و نتیجه آن تصاحب رسانه (و تحریف) روند دموکراتیک است. این برای دیگران، بیشتر یک مورد از نفوذ رسانه سوای تصاحب رسانه است. مازولنی و شولتز از اصطلاح "mediatization" استفاده کرده اند. که استدلال می کنند سیاست "استقلال خود را از دست داده" و به تابعی در عملکرد مرکزی رسانه های جمعی تبدیل شده است (Rudd & Hayward, 2005: 7). و این عمل تنها از طریق رسانه و کانال های خبری صورت می گیرد. بر همین اساس می توان نتیجه گرفت که در مجموع نقش رسانه ها نقشی فراتر از اطلاع رسانی صرف است. رسانه ها در عصر اطلاعات و ارتباطات ابزارهای نوینی برای ایجاد، کاهش و یا افزایش بحران و حتی گاه جنگآوری هستند. ابزارهایی که مکمل نیروی نظامی و تهدید کننده امنیت در سطوح مختلف آن اعم از فردی، ملی، بین المللی و جهانی به شمار می روند (سلطانی فر، ۱۳۸۴: ۳۶). حال با این توضیح و توجه به نقش و جایگاه رسانه به عنوان یک ابزار قدرتمند و تاثیرگذار در تحولات دنیای معاصر، می توان به این مسئله پرداخت که نقش و تاثیر این ابزار در ایجاد بحران و به ویژه بحران های ژئوپلیتیک در جوامع اسلامی به چه صورت می باشد.

۶. تاثیر رسانه در ایجاد بحران های ژئوپلیتیک در جوامع اسلامی

اکنون با شناختی که از مباحث ژئوپلیتیک و بحران های مرتبط به آن، و نیز نقش و جایگاه رسانه در جوامع امروزی حادث شد، می توان به مبحث اصلی این پژوهش که همان نقش رسانه بر ایجاد بحران های ژئوپلیتیکی در جوامع اسلامی می باشد، پرداخت و این مسئله را مورد کنکاش قرار داد که رسانه با وجود برخورداری از قابلیت های نوین همچون حجم و سرعت اطلاعاتی و نیز ابزاری در خدمت قدرت های بزرگ، چه نقشی می تواند در پیدایش و یا تشدید بحران های ژئوپلیتیکی در جوامع اسلامی داشته باشد.

با توجه به مطالبی که قبلا مطرح شد می توان گفت، این ادعا که امروزه دنیای ما در محاصره واقعیت های رسانه ای قرار دارد و هیچ واقعیتی جز واقعیت های مزبور موجود نیست، بی شک ادعای درخور توجهی است. رسانه ها مسئول بخش اعظمی از مشاهدات و تجربیاتی هستند که ما از طریق آنها، درک خود را از جهان و نحوه عملکرد آن سامان می بخشیم. در واقع، بخش عمده ای از نگرش ما به دنیا، ریشه در پیام های رسانه ای دارد که از پیش ساخته شده اند (فولادی، ۱۳۹۱: ۲۰). رسانه با قدرت بی رقیبی که در اختیار دارد، می تواند با تکیه بر ابزار های فناورانه به تعامل بیشتر و بهتر در جهان کمک کند. از سوی دیگر رسانه این ویژگی را نیز داراست که با سلطه و انحصار قدرت های اطلاعاتی به مثابه سلاحی اثربخش عمل کند. از این حیث، فناوری های نوین رسانه ای به مدد کشورهای توسعه یافته شتافته و جریان اطلاعات را به سود این ممالک رقم زده اند. قدرت اطلاعاتی که یکی از زمینه های اصلی نظارت بر کشورهای دیگر به شمار می آید، در واقع از طریق رسانه جدید اعمال می شود (درودی، ۱۳۸۷: ۲۷).

با این وجود در دنیای کنونی از یک سو استقبال از رسانه ها، به دلیل سرعت در انتقال اخبار، استفاده گسترده از فناوری های نوین ارتباطی، امکان تعامل با آنها و ... روبه فزونی است و از سوی دیگر، رسانه ها بخش وسیعی از ماهیت افکار عمومی را شکل می دهند و این روند پیوسته افزایش می یابد. از همین رو توانایی رسانه ها در جذب مخاطبان انبوه و مشارکت در فرآیند شکل دهی به افکار عمومی، قدرت قابل ملاحظه ای برای مداخله در بحران ها و کشمکش های داخلی، ملی، منطقه ای و بین المللی به آنها می بخشد (عیوضی، ۱۳۸۷: ۵۶). در واقع یکی از اصول اساسی در سیاست خارجی قدرت های غربی و آمریکا در ارتباط با چگونگی حفظ و تأمین منافع خود در نقاط مختلف، به این موضوع اشاره دارد که این قدرت ها به نسبت هر گونه هدف و میزان اهمیتی که دارد، از ابزار و تاکتیک های خاصی استفاده می کنند. (تحریم اقتصادی، فشار سیاسی، تهدیدات نظامی و فرهنگی) امروزه نیز با توجه به پیشرفت هایی که در حوزه های علمی و فناوری ارتباطی صورت گرفته است، و همچنین موقعیت رسانه ای غرب و آمریکا و سلطه آنها بر شریانات خبری، برای این کشورها شرایطی فراهم نموده است که از این ابزار کارآمد به عنوان یک عنصر با قابلیت و توانایی نفوذ بالا، جهت پیشبرد سیاست های خود استفاده نمایند و بر روند تحولات مختلف در گستره وسیعی تاثیرگذار باشند و آنها را در جهت تأمین و حفظ منافع خود سوق دهند. موضوعی که می توان آن را در ارتباط با تحولات ژئوپلیتیکی در جوامع اسلامی شاهد بود. در واقع آمریکا با کنترل و حفظ موقعیت برتر خود، درصدد است هژمونی و سلطه خود بر سایر مناطق دنیا را تحمیل کند. این کشور اگر در تثبیت موقعیت خود موفق شود، در تسری رهبری خود در سایر مناطق دنیا با دشواری ها و موانع کمتری روبرو خواهد شد چرا که خاورمیانه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و منابع فسیلی، کلید اساسی تولید قدرت و اعمال هژمونی در جهان است. رفتار سیاست امنیتی و نظامی آمریکا طی چندین دهه گذشته به ویژه در عصر بیداری اسلامی خاورمیانه، نشان می دهد این کشور در این منطقه دارای منابع حیاتی است و راهبردهای امنیتی خود را برای تأمین آن و تثبیت جایگاه خود طراحی می کند و از این رو است که در این منطقه همه نوع اقدامی انجام می دهد و حاضر می شود هر هزینه های پرداخت نماید (قاسمی و تاج آبادی، ۱۳۹۳: ۸۷). در این راستا به طور مثال بانگاهی به اهمیت نظام تابعه ی خلیج فارس، ایالات متحده جهت حفظ جایگاه خود، راهی جز تسلط بر چرخه ی کنترلی و حضور مداخله گریانه در این سیستم تابعه نخواهد داشت. سیستم تابعه ی مذکور با کارکرد تولید انرژی، فعالیت های صنعتی دیگر نظام های تابعه را میسر ساخته و اقتصاد بین المللی را از خود متأثر ساخته و باعث ایجاد حلقه ی کنترلی قدرت استیلاگر بر نظام بین المللی خواهد گردید و قدرت چانه زنی آنها ارتقاء خواهد داد (طاهری و زارع، ۱۳۹۱: ۷). بر این اساس، رویکردهایی که هر یک از قدرت های بزرگ جهانی را وامی دارد تا به اقدامات مداخله جویانه از طریق رسانه در مناطق مختلف جوامع اسلامی دست بزنند، را می توان در؛ تأمین امنیت انرژی، حفظ هژمونی سلطه و نفوذ، به خصوص برای ایالات متحده در مقابل دیگر قدرتهای رقیب و همچنین حمایت از متحدین خود در منطقه و مقابله با مخالفین چه در سطح دولتی و یا گروه های مختلف مطرح کرد.

همچنین در ارتباط با کارکرد رسانه ها در ایجاد بحران های ژئوپلیتیک می توان گفت که رسانه ها با بکارگیری ابزار و شیوه های مختلف، جهت پیشبرد اهداف خود اقدام می کنند. یکی از این شیوه ها که معمولا بسیار نیز کارآمد می باشد، مسئله بحران سازی در حوزه های مختلف از جمله در خصوص ایجاد و تشدید مناقشات قومی، مذهبی، اختلافات سرزمینی و مرزی و همچنین مسائل زیست محیطی در جوامع اسلامی می باشد. رسانه ها سعی می کنند با توجه به ظرفیت های که در اختیار دارند، افکار عمومی را در جهت تأمین منافع خود سوق دهند. در عین حال، به دلیل کارکردهای متعدد، به صورت جزئی از انواع بحران ها در آمده اند، چنانکه امروزه بحرانی را نمی توان یافت که حضور رسانه در آن مشهود نباشد. هر چند که شیوه عملکرد رسانه ها در بحران، به نحوه مدیریت و رویکردهای حاکمانه آنها بر می گردد.

خبرگزاری ها و رسانه های جمعی جهانی با اتکا به قدرت فناوری به ارائه چهره ای مخدوش از برخی حکومت ها، فرهنگ ها، اقوام و یا ادیان می پردازند و به شکلی نظام مند در ایجاد بحران، جهت دهی به افکار عمومی جهانی و شکل گیری عقاید و گرایش ها و رفتارهای مورد نظر خود تلاش می کنند(سلطانی فر، ۱۳۸۴: ۳۰). تحریک های قومیتی با در نظر داشتن شرایط مساعد برای این امر در میان جوامع اسلامی، اختلاف افکنی میان ادیان و مذاهب مختلف و حاضر در جوامع اسلامی از جمله مسائلی هستند که رسانه ها موجبات تنش و نا آرامی را در مناطق مذکور بوجود آورده اند. از طرفی تنش های به جا مانده از استعمار و استقلال طلبی در حوزه مباحث مرزی و سرزمینی میان جوامع اسلامی و ... نیز این شرایط را در اختیار قدرت های بزرگ و حاکمان رسانه قرار داده تا بتوانند با تشدید و ایجاد منازعه، کشمکش و نهایتا بحران، زمینه ساز تحقق اهدافشان در این نقاط باشند.

نتیجه گیری

اما یافته های که می توان از این پژوهش بیان داشت، این است که اولاً رسانه با توجه به مولفه های که دارد، از جمله گستره نفوذ آن، توان بالای جذب مخاطب و جهت دهی به افکار عمومی، سرعت انتقال اطلاعات و همچنین تاثیرگذاری ماندگارتر با هزینه کمتر نسبت به دیگر ابزار جهت تحقق سیاست ها و اهداف مدنظر صاحبان خود، از جایگاه ویژه ای در جوامع امروزی برخوردار است. و همین عامل سبب می شود تا صاحبان ثروت و قدرت توجه خاصی نسبت به این ابزار نوین و کارآمد جهت تحقق سیاست های خود داشته باشند. در کنار این جوامع اسلامی به دلیل قرار گرفتن در محدوده ای جغرافیای سیاسی از اهمیت خاصی همانند منابع عظیم زیر زمینی و ثروت های طبیعی چشم گیری برخوردارند. همچنین به دلیل موقعیت قرارگیری در مرکز جهان و مسیرهای ترانزیتی توجه کشورهای بزرگ صنعتی به این مناطق با هدف دسترسی به انرژی و مسیرهای حمل و نقل جهت ارتقای صنعت و تجارتشان را به خود جلب کرده است. این مسئله در کنار رقابت های مابین قدرت های جهانی در جهت توسعه قدرت و حوزه نفوذ خود در مناطق با اهمیت جهان اسلامی، منجر به این امر شده است تا آنها بر استفاده از رسانه، به عنوان یک ابزار کارآمد در جهت دست یابی به خواسته هایشان تاکید نمایند.

لذا رسانه با بکارگیری تاکتیک های همانند بحران سازی یا تشدید بحران در این مناطق، که از شرایط مساعدی به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی جوامع اسلامی برای این امر برخوردارند، اقدام می نماید. جوامع اسلامی از دیرباز به دلایل مختلفی از جمله شرایط ژئوپلیتیکی چون منازعات قومی و مذهبی، اختلافات مرزی، تنش بر سر منابع آب و ... روبه رو بوده اند که خود از مسائلی چون وجود اقوام و گروه های مختلف، کمبود آب در برخی مناطق، عدم دسترسی به مسیرهای انتقال انرژی در برخی دیگر از این مناطق، وجود اسرائیل در این منطقه، مشکلات باقی مانده از رد پای استعمار چون وجود مرزهای مشترک و عدم مشخص بودن محدوده کشورهای واقع در چنین شرایطی و ... ناشی می شوند. و در نتیجه موجبات وقوع بحران های ژئوپلیتیک را بوجود می آورند. در واقع کشورهای قدرتمند صنعتی و صاحبان سرمایه دریافته اند که یکی از راه های دستیابی به منافع مورد نظرشان در جهان اسلام، در ایجاد و یا تشدید همین بحرانهای ژئوپلیتیکی می باشد. و در این راستا یکی از عمده ابزارهایی که جهت نیل به هدف مذکور مورد توجه و استفاده کشورهای صنعتی قرار گرفته رسانه های جمعی است. این ابزار به دلیل داشتن پوشش جهانی و همراه سازی افکار و عقاید عمومی در راستای اهداف صاحبان صنعت رسانه بسیار حائز اهمیت است. رسانه این ویژگی را داراست که با سلطه و انحصار قدرت های اطلاعاتی به مثابه سلاحی اثر بخش عمل کند. از این رو رسانه های ارتباط جمعی می توانند جریان اطلاعاتی را به سود کشورهای بزرگ مدیریت کرده و منافع آن ها را تامین کنند. به طور مثال این ابزار توان تغییر فرهنگ و باورهای عمومی، تغییر در دیدگاه مردم نسبت به اقوام و جوامع دیگر و حتی تغییر نگرش به دولت ها و حکومت ها را داراست.

منابع و مراجع

- [۱] آروانتوپولوس، کنستانتین. (۱۳۷۷). «ژئوپولیتیک نفت در آسیای مرکزی». فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۲۱. از ۱۳۷ تا ۱۴۸
- [۲] احمدی پور، زهرا و لشگری، احسان. (۱۳۸۸). «تبیین ژئوپولیتیک رقابت قدرت های جهانی در منطقه خزر (با در نظر گرفتن نقش فزاینده قدرت آمریکا در منطقه)». فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۶۸. از ۵۹ تا ۷۸
- [۳] افضلی، رسول. (۱۳۸۵). «پیامدهای ژئوپولیتیک یازدهم سپتامبر در منطقه خاورمیانه». فصلنامه پژوهش های جغرافیایی. شماره ۵۷. از ۱۵۵ تا ۱۷۶
- [۴] بشریه، حسین. (۱۳۸۶). «آموزش دانش سیاسی (مبانی نظری و تاسیسی)». تهران: موسسه نگاه معاصر
- [۵] پیمانخواه، مهدی. (۱۳۹۰). مرز و اختلافات مرزی ایران و عراق. وبلاگ ایران برای فردا
- [۶] حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۷۹). «تعریفی نو از ژئوپولیتیک». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۵۸ و ۵۹. از ۷۱ تا ۸۸
- [۷] حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۸۴). «ژئوپولیتیک یک بررسی فلسفی». فصلنامه بین المللی ژئوپولیتیک. شماره ۱. از ۱۹ تا ۳۶
- [۸] حافظ نیا، محمد رضا و رضوی، سید عبدالجلیل. (۱۳۸۴). «بررسی سیاستهای امارات متحده عربی نسبت به جزایر سه گانه جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه سیاست دفاعی. شماره ۵۱. از ۷ تا ۳۰
- [۹] حسینی، حسین. (۱۳۸۵). «بحران چیست و چگونه تعریف می شود؟». فصلنامه امنیت. شماره ۷۱ و ۷۲. از ۷ تا ۵۲
- [۱۰] خالصی، پروین. (۱۳۸۸). «نقش و اهمیت رسانه های جمعی و کارکرد آنها». فصلنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی. شماره ۲۶۲ و ۲۶۱. از ۲۷۴ تا ۲۸۷
- [۱۱] درایسدل، آلاسدير و اچ. بلیک، جرال. (۱۳۷۰). «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا». تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، مرکز مطالعات خلیج فارس. ترجمه دره میر حیدر (مهاجرانی)
- [۱۲] دباغیان، رضا. (۱۳۸۴). «بررسی آثار مثبت و منفی بحران در سازمان ها». Bikport.pmo.ir
- [۱۳] درودی، فریبرز. (۱۳۸۷). «تأثیر رسانه در ساختا قدرت». مجله کتاب ماه کلیات. شماره ۱۲۶. از ۲۴ تا ۳۷
- [۱۴] رازقی، افشین. (۱۳۸۴). «جهانی شدن رسانه های جمعی». ماهنامه روابط عمومی. شماره ۳۸ و ۳۹. از ۱۶ تا ۲۲
- [۱۵] رستگار مقدم گوهری، هادی. (۱۳۷۹). «کارکرد رسانه های جمعی». فصلنامه اندیشه حوزه. شماره ۶. از ۱۲۷ تا ۱۴۶
- [۱۶] ساروخانی، باقر. (۱۳۹۱). «جامعه شناسی نوین ارتباطات (رسانه ها در جهان امروز)». دانشنامه ارتباطات (۲). تهران: انتشارات اطلاعات
- [۱۷] سمتی، محمدمهدی. (۱۳۸۵). «عصر سی ان ان و هالیوود (منافع ملی، ارتباطات فراملی)». ترجمه: نرجس خاتون براهوئی، با مقدمه: دکتر حسین بشیریه. تهران: نشر نی
- [۱۸] سلطانی، فر. محمد. (۱۳۸۴). «رسانه ها؛ بحران های نوین و جنگ ها پست مدرن». فصلنامه پژوهش های ارتباطی. شماره ۴۳ و ۴۲. از ۲۷ تا ۵۸
- [۱۹] سلیمی، عبد الحکیم. (۱۳۸۱). «نگاهی به نظریه های ژئوپولیتیک». فصلنامه معرفت. تیر. شماره ۵۵. از ۶۲ تا ۶۹
- [۲۰] صبری، مژگان. (۱۳۹۰). قدرت نفوذ رسانه. وبلاگ باشگاه اندیشه. روزنامه ایران.
- [۲۱] <http://www.bashgah.net/fa/content/show/90520>
- [۲۲] صادقی، سید شمس الدین. (۱۳۷۶). «هیدروپلیتیک و بحران آب: چالشهای آینده در خاورمیانه و خلیج فارس». مجله اطلاعات سیاسی- اقتصادی. شماره ۱۱۵ و ۱۱۶. از ۲۰۰ تا ۲۰۷
- [۲۳] طاهری، ابوالقاسم و زارع، مهدی. (۱۳۹۱). «بررسی اهمیت انرژی منطقه خلیج فارس در راهبردهای سیاسی و امنیتی ایالات متحده آمریکا». فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی. شماره ۱۰. از ۱ تا ۳۲
- [۲۴] طاهریان، مریم. (۱۳۸۸). «نقش رسانه در هدایت فرونشاندن و مدیریت بحران». پژوهشنامه گروه پژوهش های فرهنگی و اجتماعی. شماره ۳۸. از ۱۵۷ تا ۱۹۲
- [۲۵] عالم، عبدالرحمن. (۱۳۸۶). «بنیادهای علم سیاست». تهران: نشر نی
- [۲۶] عسگری، سهراب. (۱۳۸۷). «ژئوپولیتیک جهان اسلام؛ زمینه های واگرایی و بستر های همگرایی». فصلنامه علوم سیاسی. شماره ۴۱. از ۱۷۷ تا ۱۹۲

- [۲۷] عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۸۷). «بحران شناسی رسانه ای: رسانه، قدرت نرم قرن ۲۱». مجله پژوهش های ارتباطی. شماره ۵۵. از ۵۵ تا ۸۰
- [۲۸] فولادی، محمد. (۱۳۹۱). «چیستی رسانه با تاکید بر رسانه دینی». فصلنامه. معرفت فلسفی. شماره ۳۶. از ۱۹۵ تا ۲۲۸
- [۲۹] قاسمی، علیرضا؛ تاج آبادی، حسین (۱۳۹۳). «رویکردهای امنیتی ایالات متحده در قبال جنبش های اجتماعی خاورمیانه». فصلنامه، مطالعات بیداری اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۹۳ - شماره ۵. (از صفحه ۷۷ تا ۹۴).
- [۳۰] کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). «عصر اطلاعات، اقتصاد جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه ای)». ترجمه: احد علیقیان و افشین خاکباز. انتشارات طرح نو. جلد اول.
- [۳۱] کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). «عصر اطلاعات، اقتصاد جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)». ترجمه: حسن چاوشیان. انتشارات طرح نو. جلد دوم.
- [۳۲] منزوی، مسعود. (۱۳۸۸). «نگاهی آینده پژوهانه به عوامل تنش زای خاورمیانه». تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فن آوری دفاعی-موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی
- [۳۳] مازور، گرهارت. (۱۳۶۷). «بحران چیست و چه وقت بروز می کند؟». ترجمه: عبدالحسین آذرنگ. مجله کیهان فرهنگی. شماره ۵۱. از ۲۰ تا ۲۳
- [۳۴] متقی، ابراهیم. (۱۳۸۷). «ژئوپولیتیک تعادل و موازنه نرم مطالعه موردی خاورمیانه بین سالهای ۲۰۰۱-۹۰». فصلنامه ژئوپولیتیک. شماره ۱۱. از ۳۵ تا ۸۱
- [۳۵] مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۷). «جغرافیا و سیاست در فرایندی نوین. نگاهی به برخی مفاهیم در جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران). شماره ۴۲. از ۱۲۳ تا ۱۹۸
- [۳۶] محمدی، علی. (۱۳۸۶). «فرایند جهانی شدن و نقش روابط عمومی در قرن بیست و یکم». ماهنامه روابط عمومی. شماره ۵۱. بهار. از ۹ تا ۱۳
- [۳۷] موسوی، محمد و بهادر خانی، محمدرضا و موسوی محمد رضا. (۱۳۹۱). «تاثیر جایگاه خطوط لوله انرژی بر ژئوپولیتیک منطقه آسیای مرکزی و قفقاز». فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۸۰. از ۱۴۱ تا ۱۷۰
- [۳۸] واعظی، محمود و منفرد، سید قاسم (۱۳۹۳). «انرژی و امنیت انرژی به مثابه ابزاری در راستای تغییر محاسبات سیاست و امنیت بین الملل (مطالعه موردی استراتژی امنیت انرژی آمریکا و انگلستان)». فصلنامه راهبرد. شماره ۶۸. از ۶۳ تا ۸۴
- [۳۹] ولیقلی زاده، علی، احمدی پور، زهرا و حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل راهبردی بنیان های جغرافیایی بحران های ژئوپولیتیکی (با تاکید بر بحران ژئوپولیتیکی قره باغ)». مجله سیاست دفاعی. شماره ۸۲. از ۱۱۱ تا ۱۵۰
- [۴۰] هادیان، حمید. (۱۳۸۸). جهان اسلام: الزامات جغرافیایی (مرزها) و شعار پان عربیسم». پژوهشنامه سیاست خارجی. شماره ۲۱. از ۱۲۹ تا ۱۴۸
- [۴۱] یزدانی، عنایت الله و تویسرکانی، مجتبی. (۱۳۸۷). «جنگ سرد دوم در هارتلند تازه: ژئواستراتژی قدرتها در پهنه ژئوپولیتیک خزر-خلیج فارس». اطلاعات سیاسی-اقتصادی. شماره ۲۵۵ و ۲۵۶. از ۱۸ تا ۳۳
- [۴۲] یزدانی، عنایت الله و تویسرکانی، مجتبی. (۱۳۹۰). «تحلیلی بر رقابت ژئوپولیتیکی قدرت ها در "بیضی استراتژیک انرژی"». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۱۰۳. از ۱۴۹ تا ۱۸۶
- [43] Buckingham, David. (2003). «QUESTIONING THE MEDIA: A GUIDE FOR STUDENTS»
Publisher: UNESCO. pp:1-15
- [44] Gokman, Semra Rana. (2010). «geopolitics and the study of international relations.»
- [45] Tuatbail, Gearoid O & Dalby, Simon & Routledge. (1998). «the geopolitics readr». Landan and New York: Routledge.
- [46] Rudd, Chris & Hayward, Janine (2005). «MEDIA TAKEOVER MODERNISATION, OR MEDIA INTRUSION? THE MEDIA AND POLITICAL COMMUNICATIONS IN NEW ZEALAND»
Political science. no:2. pp:7-16
- [47] Jiwani, Yasmin. «Racism and the Media
- [48] Taxonomy Categories: Anti-racism Theory. <http://www.stopracism.ca/content/racism-and-media>
- [49] Van Dijk, Teun A. «Power and the News Media». [www.discourses.org/Old-Articles/Power and the News Media](http://www.discourses.org/Old-Articles/Power-and-the-News-Media)